

اسلام پژوهی - ۱۸

مریم صالحی نیا

توسیع و ساختار
جستاری در روایت شناسی تطبیقی متون

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

قدسیت و ساختار

جستاری در روایت‌شناسی تطبیقی متون

مؤلف
مریم صالحی‌نیا

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر) / مدیر هنری: باسم الرسام
حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید سیدکاظمی) / لیتوگرافی: نوید
چاپ و صحافی: فرنو / چاپ اول: ۱۳۹۴ شماره‌گان: ۱۱۰۰ / قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۴۰-۰۲-۱

کتابنامه

نشانی: مینی سیتی - شهرک محلاتی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی
تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پُست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

سرشناسه	: صالحی‌نیا، مریم، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: قدسیت و ساختار: جستاری در روایت‌شناسی تطبیقی متون قدسی / مؤلف مریم صالحی‌نیا.
مشخصات نشر	: تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۰ ص: جدول.
فروست	: اسلام‌پژوهی؛ ۱۸.
شابک	: 978-964-9940-02-1
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.	
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: جستاری در روایت‌شناسی تطبیقی متون قدسی.
موضوع	: قرآن - قصه‌ها.
موضوع	: کتاب مقدس. عهد جدید - وقایع تاریخی - داستان.
موضوع	: قرآن و کتاب مقدس - مطالعات تطبیقی.
موضوع	: قرآن و کتاب مقدس.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ق ۴ ص ۸۸ / BP
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۵۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۰۷۲۲۶

فهرست

۷.....	مقدمه.....
--------	------------

فصل اول: پیرامتن [۱۳]

۱۴.....	۱-۱. ساختار و شکل ظاهری کتاب مقدس.....
۲۹.....	۲-۱. تدوین و شکل‌گیری قرآن.....
۳۵.....	۳-۱. تفسیر قرآن و کتاب مقدس.....

فصل دوم: زیرمتن [۵۱]

۵۲.....	۱-۲. داستان‌های مشترک.....
۱۲۴.....	۲-۲. روایات داستانی غیر مشترک.....

فصل سوم: فرامتن و بینامتن [۱۲۹]

۱۳۰.....	۱-۳. اساطیر.....
۱۸۰.....	۲-۳. افسانه‌ها.....
۱۹۱.....	۳-۳. ادبیات و فرهنگ یونان.....
۲۱۳.....	۴-۳. عناصر و سازه‌های تاریخی.....

فصل چهارم: داستان [۲۳۳]

۲۳۳.....	۱-۴. ساختار داستان در کتاب مقدس.....
۲۴۷.....	۲-۴. ساختار داستان در قرآن.....

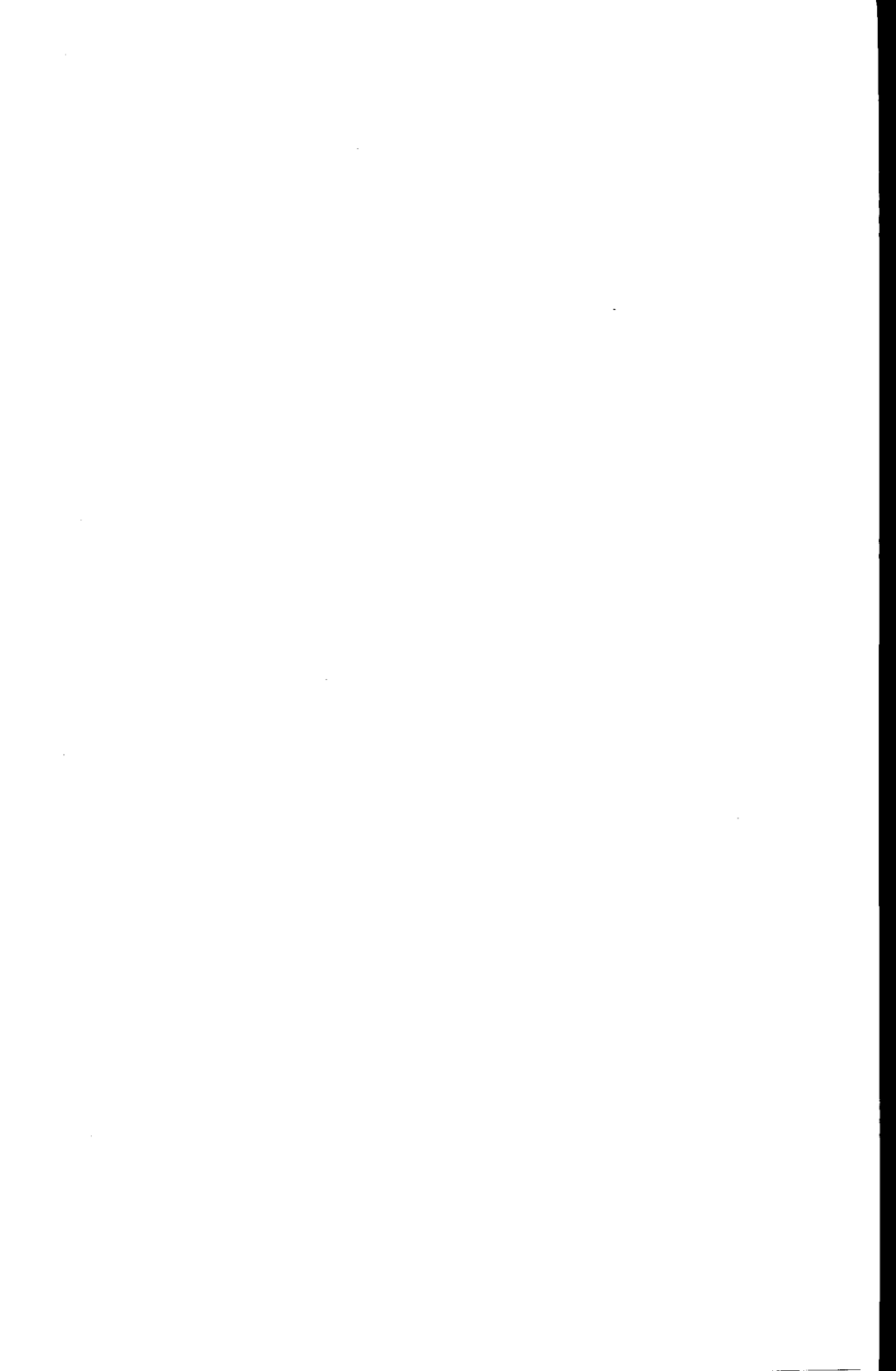
- ۲۶۵..... ۳-۴. طرح ساختاری روایات ایدئولوژیک
- ۲۶۸..... ۴-۴. رده‌بندی کنشگرها

فصل پنجم: گفتمان [۲۷۹]

- ۲۷۹..... ۱-۵. ترتیب
- ۲۸۶..... ۲-۵. دیرش
- ۲۹۳..... ۳-۵. بسامد
- ۳۰۱..... ۴-۵. وجه
- ۳۰۷..... ۵-۵. لحن
- ۳۱۷..... سخن پایانی
- ۳۲۵..... □ کتابنامه
- ۳۳۷..... □ نمایه

سپاس‌گزاری

پژوهش حاضر رسالهٔ دکتری من بوده است که طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷ در دانشگاه فردوسی مشهد به رشتهٔ تحریر درآمد. خود را در انجام این مهم مرهون همراهی‌های علمی استادان بزرگوام در دانشگاه فردوسی مشهد می‌دانم. سپاس‌گزاری می‌کنم از استادان ارجمندم دکتر سید حسین فاطمی، دکتر عبدالله رادمرد، دکتر ابوالقاسم قوام و دکتر سید مهدی زرقانی که از رهنمودهای عالمانه و تأییدهای ارزشمندشان پیوسته برخوردار بودم؛ از دوست و همکار ارجمند دکتر امید همدانی که از نگاه نقادانه‌شان بهره‌بردم؛ از دوستان عزیزم اشرف جعفری و آناهیتا عظیم‌پور که نمونه‌خوانی متن و ترجمهٔ متون فرانسه را مدیون مهر بی‌دریغ ایشانم. بر خود فرض می‌دانم استاد ارجمند محمد ریاحی را سپاس‌بگزارم که هیچ‌گاه شاگرد رسمی ایشان نبودم اما تا زنده‌ام خود را در نقد و نظریه‌مدیون آموزش‌های ایشان می‌دانم. در پایان از مدیر دانشور و گرانمایهٔ نشر نگاه معاصر، جناب آقای قنبری، سپاس‌گزاری می‌کنم که در این زمانهٔ عسرت نشر، زحمات نشر این کتاب را پذیرفتند.



مقدمه

قدسیت ساختاری منسجم، یگانه و استوار دارد که در هر فضایی قابل شناسایی است و می‌شود رد پایش را حتی در فضای مه‌آلود فراسوی اسطوره و افسانه از زبان گنگ و ناآشنای انسان پیشاتاریخی دریافت و بازشناخت. همچنان‌که نگاه عمیق عاشقانه می‌تواند چیزی از زیبایی خیره‌کننده معشوق را در چهره چروکیده سالخورده‌ترین اجداد او بازابد و درست خلاف باور اغلب ما، حضور یا عدم حضور اسطوره و افسانه و تاریخ، محک سنجش راست‌نمایی یا ناراستی متون قدسی نیست. قدسیت ساختاری دارد و نشانه‌هایی آشنا که به گونه‌ای وهم‌انگیز در طیف وسیعی از اسطوره‌ها، افسانه‌ها و حکایت‌ها در سراسر تاریخ تکرار شده. این نشانه‌های ساختاری گرچه دور از دست و گاه تفسیرناپذیر است اما آشناست و دربردارنده پیامی یگانه. بررسی تطبیقی ساختار روایی متون مقدس، از سویی سیمای تغییرناپذیر قداست و از سوی دیگر دگرگونی و صیوریت تاریخی روایت آن را آشکار می‌سازد و از این رهگذر راه را برای تحلیل، ارزیابی و فهم متون مقدس، می‌گشاید. در میان متون مقدس، فرازهای قابل ملاحظه‌ای از کتاب مقدس و قرآن به روایت داستان‌هایی اختصاص یافته که از درونمایه‌ای یکسان برخوردارند از آن‌جا که ساختار روایی و شیوه بیان متفاوتی در دو کتاب به کار رفته، بستر مناسبی برای پژوهشی تطبیقی-ساختاری فراهم آمده است. تحلیل و بررسی این روایات از دیدگاه روایت‌شناسی ساخت‌گرا با نظر به آنچه تقاسیر، پژوهش‌های تاریخی و مطالعات اسطوره‌شناسی در این باره ارائه می‌دهند محور اصلی مباحث این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

نخستین اثری که در پیشینه این پژوهش می‌توان به آن اشاره کرد منشأ و خاستگاه داستان‌های اسلامی در قرآن و حیات پیامبران اثر دیوید سیدرسکی است که در سال ۱۹۳۳ در پاریس منتشر شده است.^۱ این اثر به فارسی ترجمه نشده، اما یکی از منابع اصلی ماسون، پژوهشگر دیگر

1. Sidersky, *Les origines des légends musulmanes dans le Coran et dans la vie des prophètes*

فرانسوی بوده است. ماسون در اثر خود با عنوان قرآن و کتاب مقدس، درونمایه‌های مشترک^۱ که حاصل ۶۰ سال مطالعه وی در زبان و ادبیات عرب و پژوهش و تحقیق درباره قرآن و نیز جستجوی موارد اشتراک و افتراق آن با کتاب مقدس و دیگر متون یهودی و مسیحی است، بسیار به نتایج پژوهش سیدرسکی اشاره کرده؛ با این همه گاهی در فهم داستان‌های قرآن و تطبیق آنها با کتاب مقدس دچار اشتباه شده است؛ برای نمونه او درباره ذوالقرنین می‌گوید: «چندین آیه از سوره کهف به شخصیتی موسوم به ذوالقرنین اختصاص یافته که به او این قدرت را داده بودند که به کمک یک طناب در هوا جابه‌جا شود» (ماسون، ۱۳۸۵: ۵۲۵).

از دیگر آثاری که درباره مقایسه قصه‌های قرآن و کتاب مقدس نوشته شده، مقایسه قصص در قرآن و عهدین نوشته عباس اشرفی است که انتشارات دستان آن را در سال ۱۳۸۲ منتشر کرده است. اشرفی تنها پاره‌ای از داستان‌های مشترک را از منظر الهیات و دین‌شناسی بدون توجه به ساختار روایی بررسی کرده است.

اثر دیگر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حمید یزدان‌پرست لاریجانی است با عنوان داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل و قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی، که در سال ۱۳۸۴ توسط انتشارات اطلاعات به چاپ رسیده است. با این که روش او نیز در این بررسی بسیار با آنچه در این پژوهش مورد نظر بوده است، تفاوت دارد، اما آنچه کار او را ارزشمند و قابل توجه کرده است همکاری بعضی از یهودیان فرهیخته و آشنا با زبان عبری است که بخش‌هایی از تلمود را برای او ترجمه کرده و او را در شناخت بعضی سنت‌ها و باورهای عامیانه یهودیان یاری داده‌اند. تفاوت عمده‌ای که پژوهش حاضر را از پژوهش‌های پیشین متمایز می‌کند و وجود آن را علیرغم پژوهش‌های موجود ضرورت و مشروعیت می‌بخشد رویکرد روایت‌شناختی آن است. این رویکرد بدون هیچ مبالغه، تعصب و یکسوگرایی تنها با نظر به ساز و کار روایی کتاب مقدس و قرآن پرده از تفاوت بنیادین آنها برمی‌دارد و در همان حال بر شباهت‌های خانوادگی‌شان نیز صحنه می‌گذارد.

هر روایت دارای دو سطح داستان و گفتمان است و در این تحلیل ساختاری نیز این هر دو سطح مورد توجه بوده‌اند؛ تحلیل ساختار داستان براساس نظریه داستان بنیادین پراپ، انجام گرفته است منتها با نظر به اصلاحاتی که ساخت‌گرایانی چون تودوروف و بارت به منظور تکمیل و گسترش حوزه کاربرد نظریه او، طرح کرده‌اند. در تحلیل ساختار گفتمان، که پراپ در تئوری ساختاری خود جایی برای آن در نظر نگرفته است، نظریه شناخته‌شده ژرار ژنت، مبنای قرار گرفته؛ نظریه ژنت از آن‌جا که همه ابعاد روایت را، به نوعی در عناصر و مقوله‌هایی که در تبیین و تحلیل ساختار روایت به کار می‌گیرد، در نظر دارد، از کامل‌ترین پژوهش‌ها در این زمینه به شمار می‌رود.

از سوی دیگر در تحلیل ساختار گفتمان در کنار نظریه ژنت، الگوی جهانی ویلیام لباو در صورت‌بندی اجزای گفتمان روایی مورد توجه بوده است؛ این الگو در بررسی مقوله لحن که از مهم‌ترین مقوله‌ها در نشان دادن تفاوت ساختار گفتمان روایت کتاب مقدس و قرآن است، بسیار کارآمد است.

ساختار کتاب از پنج فصل تشکیل شده؛ فصل نخست، بررسی موقعیت پیرامتنی کتاب مقدس و قرآن است. پیرامتن نشانگر عناصری است که در آستانه متن قرار گرفته و دریافت متن از سوی خوانندگان را جهت‌دهی و کنترل می‌کند و به این پرسش‌ها پاسخ می‌گوید که این متن چه زمانی انتشار یافته؟ توسط چه کسی؟ و به چه منظوری؟ در این فصل، تدوین و شکل‌گیری کتاب مقدس و قرآن مورد بررسی قرار گرفته است. باید خاطر نشان کرد که در بررسی موقعیت پیرامتنی کتاب مقدس، سعی بر آن بوده است که بیشتر به نظرات پژوهشگران اهل کتاب توجه شود.

دشواری زبان قرآن و کتاب مقدس و دیرینگی آن از یک‌سو و لزوم درک در زمانی آن از دیگر سو سبب شده است که متون تفسیری زیادی درباره آنها نوشته شود. مطالعه چهره روایات داستانی مشترک قرآن و کتاب مقدس در این متون از چند جهت می‌تواند در بررسی ساختار روایی آنها روشنگر و راهنما باشد: نخست این‌که نشان می‌دهد مخاطبین این متون چگونه آنها را می‌خوانند و داستانی که از پیرنگ و طرح این روایات در ذهن آنها شکل گرفته چه ویژگی‌هایی دارد، آیا فاصله‌ای که در پیرنگ و طرح این روایات وجود دارد، در دریافت مفسرین از این متون بیشتر می‌شود، یا این‌که چون به باور آنها اصل و حقیقت تاریخی داستانی که روایت می‌شود یکی است، می‌کوشند تا این فاصله‌ها را در شرح و تفسیر خود توجیه کرده، آن را از میان بردارند و یا دست‌کم از اهمیت آن بکاهند. دیگر این‌که مفسرین در شرح و تفسیر این روایات داستانی تا چه اندازه به روایت مقابل نظر داشته‌اند و چگونه پاره‌هایی از آن را از رهگذر شرح و تفسیر به پیرنگ اصلی خود افزوده‌اند. بنابراین در این فصل سنت تفسیر قرآن و کتاب مقدس به عنوان عنصری پیرامتنی مورد توجه قرار گرفته است.

فصل دوم، بررسی پیوند زیرمتنی و زیرمتنی کتاب مقدس و قرآن است. زیرمتنی، نشانه هرگونه ارتباطی است که متنی که ما آن را زیرمتن می‌خوانیم، به متنی که آن را زیرمتن می‌خوانیم، پیوند می‌دهد. در این فصل رابطه قرآن به عنوان یک زیرمتن با کتاب مقدس به عنوان یک زیرمتن در حوزه روایات داستانی، بررسی شده است. همخوانی قرآن و کتاب مقدس در خود قرآن بارها تصریح و تصدیق شده است به ویژه در سوره بقره و آل عمران که یهودیان و مسیحیان را مورد خطاب قرار می‌دهد. در سوره بقره خطاب به یهودیان آمده است: «به آنچه همخوان کتاب شما نازل کرده‌ایم، ایمان بیاورید و نخستین منکر آن نباشید» (بقره ۴۱/۲)، در همین سوره به پیامبر خطاب شده است: «جبرئیل آن [قرآن] را به دستور الهی بر دل تو نازل کرده است و آن همخوان

کتاب‌هایی است که پیشاپیش آن است» (بقره ۹۷/۲). در ابتدای سوره آل عمران نیز آمده است: «این کتاب را که همخوان با کتاب‌های آسمانی پیشین است به درستی بر تو نازل کرد و تورات و انجیل را پیشتر فرستاد» (آل عمران ۳/۳). در سوره مائده که باز فرازهایی از داستان یهودیان و مسیحیان روایت شده، به سه کتاب تورات، انجیل و قرآن و نزول آنها یکی پس از دیگری، در حالی که کتاب پیش از خود را تصدیق می‌کنند، اشاره شده است: «ما تورات را که در آن رهنمود و نوری است فرو فرستادیم. پیامبران که تسلیم خدا بودند براساس آن برای یهودیان داوری می‌کردند... و به دنبال ایشان عیسی بن مریم را فرستادیم که گواهی‌دهنده بر حقانیت تورات بود که پیشاپیش او بود و به او انجیل دادیم که در آن هدایت و نوری هست و همخوان با تورات است... و کتاب آسمانی را به راستی و درستی بر تو نازل کردیم که همخوان با کتاب‌های آسمانی پیشین و حاکم بر آنهاست» (مائده ۴/۵-۴۸). علاوه بر این در موارد متعدد دیگری نیز به همخوانی این دو کتاب اشاره شده است. در این فصل روایات داستانی مشترک معرفی شده و رخدادهای اصلی آنها به شکلی تطبیقی مقایسه شده است تا مشخص شود این روایات چگونه و تا چه اندازه با هم شباهت دارند.

فصل سوم بررسی موقعیت فرامتنی سازه‌ها و ساختار روایات کتاب مقدس و قرآن است. در این بخش روابط فرامتنی و بینامتنی روایات داستانی کتاب مقدس و قرآن با اسطوره‌ها، افسانه‌ها، ادبیات و فرهنگ یونان و تاریخ، مورد مطالعه قرار گرفته و نمونه‌های برجسته‌ای از بُن‌مایه‌های مشترک این متون معرفی شده است. گفتنی است که منظور از اسطوره در این پژوهش به ویژه در روایات قرآنی حوادثی است که در زمان‌های پیشاتاریخی رخ داده و در ذهن تکامل نیافته اما با ایمان انسان نخستین رسوخ کرده و همواره چون تاریخی قدسی و مینوی تلقی شده است و البته گزاره‌هایی از آن در سیر تحول و تطور خود در قالب افسانه‌های دینی ظهور کرده است.

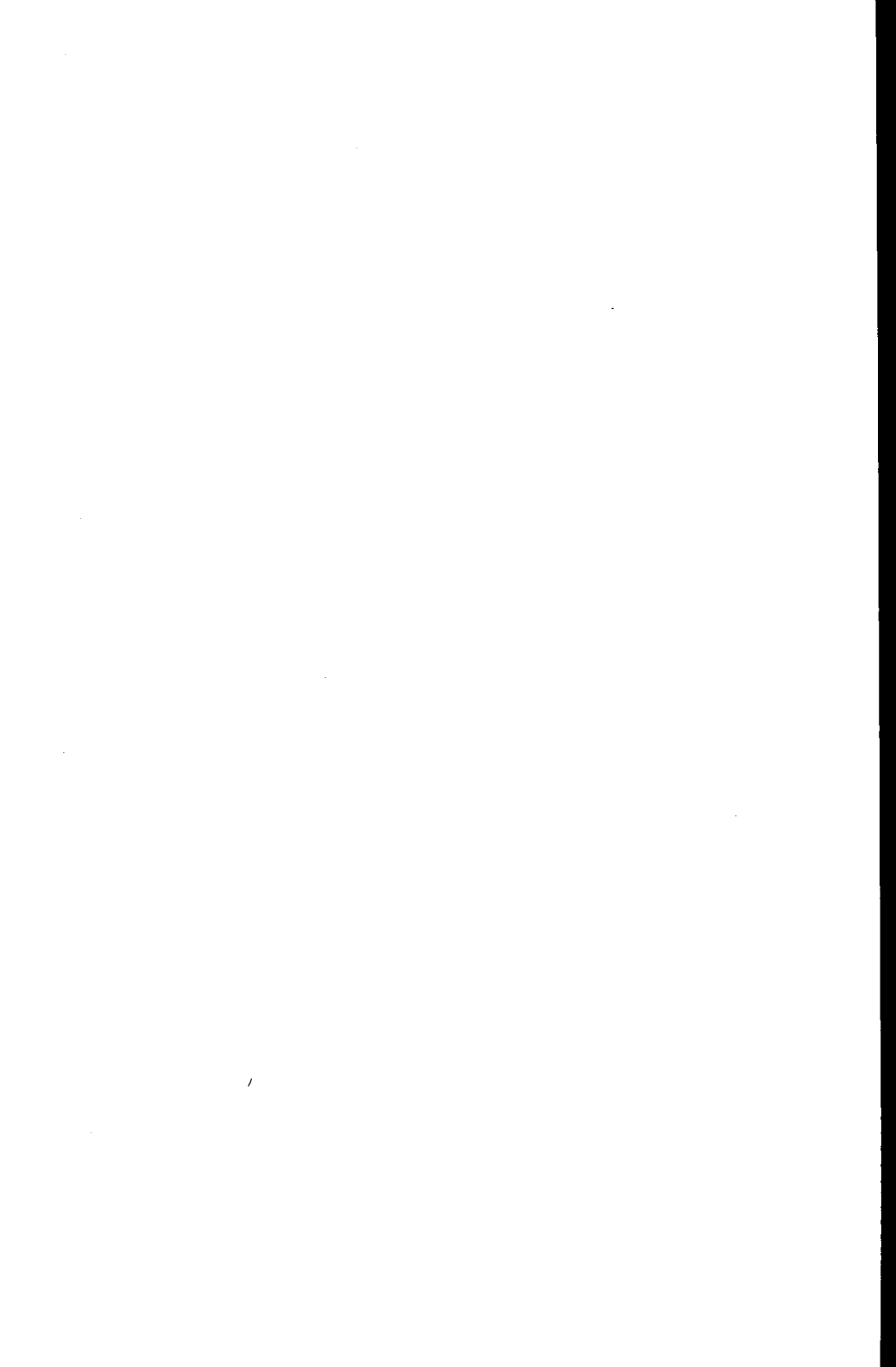
در فصل چهارم ویژگی‌های ساختاری داستان‌های کتاب مقدس و قرآن به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا عناصر و سازه‌های تکرارشونده آنها شناسایی شده، به این ترتیب الگوی بنیادین طرح این داستان‌ها به دست آید. برای این منظور نخستین دسته از روایت‌های مشترک دو کتاب را انتخاب کرده‌ام که عبارت‌اند از داستان آدم، نوح، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، یوسف، موسی، داوود، سلیمان، ایوب، یونس و عیسی؛ یعنی روایت‌هایی که آشکارا درباره شخصیت‌های یکسانی سخن می‌گویند. علاوه بر این روایات قرآن و کتاب مقدس از دیدگاه نوع‌شناسی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. نوع‌شناسی یا Typology به جای این که روایات را با مقوله‌هایی بیرون از آنها تفسیر کند، اجزای ساختاری روایات را براساس پیوندهای درونی آنها مجدداً توصیف می‌کند. بُعد دیگری از ویژگی‌های ساختاری داستان‌های کتاب مقدس و قرآن که در این بخش به آن اشاره شده، طرح کیاسموس (Chiasmus) است. ساختارگرایی که در تحلیل ساختاری کتاب

مقدس و متون ایدئولوژیک تاریخی کوشیده‌اند، امروزه به این نتیجه دست یافته‌اند که آنالیز ساختاری این آثار اثبات می‌کند که بسیاری از نویسندگان متون ایدئولوژیک، طرح خود را براساس یک نقشه از پیش تعیین شده ترسیم کرده‌اند. محققین کتاب مقدس این طرح را کیاسموس نامیده‌اند. این طرح می‌تواند به عنوان یک سبک ادبی شناخته شود که شامل یک سری عناصر ساختاری است که عناصر دیگری به طور قرینه و با ترتیبی وارونه از آنها پیروی می‌کنند. نقطه تلاقی یا به عبارت دیگر نقطه ثقل که محور این عناصر است با علامت (X) با حروف یونانی نمایش داده می‌شود. این کانون مرکزی، قادر است ایده و تمی را که نویسنده برای توضیح آن تلاش می‌کند، برجسته کند.

عنصر دیگری که در بررسی ساختار داستان مورد توجه بوده، رده‌بندی کنشگرها است. رده‌بندی کنشگرها، براساس الگوهای کنشی پراپ، گرماس و کوکه، انجام گرفته است چرا که این الگوها هر یک از سویی مهم و کاربردی‌اند و نکاتی را مورد توجه قرار داده‌اند که با داستان‌های دینی تناسب دارد و از سوی دیگر نارسایی‌ها و کاستی‌هایی دارند که باعث می‌شود برخی از ابعاد کنشگرها که در تحلیل ساختاری مهم است، پوشیده بماند. از این روی از هر سه الگو برای رده‌بندی کنشگرها استفاده شده است.

سرانجام در فصل پنجم ویژگی‌های کلی ساختار گفتمان در کتاب مقدس و قرآن براساس پنج مقوله محوری ژنت یعنی ترتیب، دیرش، بسامد، وجه و لحن مورد بررسی قرار گرفته است و در پایان مهم‌ترین وجوه افتراق و اشتراک ساختاری دو کتاب و خاستگاه آن بسیار فشرده یادآوری شده است.

مریم صالحی‌نیا



فصل اول

پیرامتن

در بررسی ساخت‌گرای متون آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد و گام اول پژوهشگر ساخت‌گرا است، بررسی چگونگی شکل و سیاق ظاهری متن مورد نظر است. این بخش که شامل عنوان‌ها و دیگر مشخصات یک متن است، در مکتب ساخت‌گرای ژنت، پیرامتن (paratext)، نامیده می‌شود. از نظر ژنت پیرامتن نشانگر عناصری است که در آستانه متن قرار گرفته و دریافت متن از سوی خوانندگان را جهت‌دهی و کنترل می‌کند. این آستانه شامل یک درون‌متن (peritext) است، که عناصری چون عنوان، عناوین فصل‌ها، مقدمه‌ها و پی‌نوشت‌ها را دربر می‌گیرد و نیز شامل یک برون‌متن (epitext) است که عناصر بیرون از متن نظیر مصاحبه‌ها، نقد و نظرات منتقدان و دیگر مباحث مؤلفانه و یا ویراستارانه را دربر می‌گیرد. نزد ژنت پیرامتن نقش‌های مختلفی ایفا می‌کند که راهنمای خوانندگان متن بوده و عملاً براساس پرسش‌های ساده‌ای قابل فهم می‌شوند که همگی معطوف به نحوه موجودیت متن‌اند. این متن چه زمانی انتشار یافته؟ توسط چه کسی؟ و به چه منظوری؟ این‌گونه عناصر پیرامنتی به برقراری اهداف متن کمک می‌کند و می‌گوید که متن را چگونه باید خواند و چگونه نباید خواند (Allen, 2001: 203-204).

در این مقال بر آنم که پیش از آن‌که به بررسی ساختار روایات کتاب مقدس و قرآن بپردازم، تصویری بسیار کلی از چگونگی روند شکل‌گیری هر دو کتاب و سیاق کنونی آنها ارائه دهم.

۱-۱. ساختار و شکل ظاهری کتاب مقدس

کتاب مقدس از دو بخش عمده عهد عتیق و عهد جدید تشکیل شده است. عهد عتیق خود سی و نه بخش جداگانه دارد که شامل اسفار پنجگانه تورات و کتاب‌ها و رسالات دیگر است و عهد جدید نیز بیست و هفت بخش دارد که شامل اناجیل چهارگانه، اعمال و رسالات رسولان و مکاشفه یوحناست که پس از این به معرفی مختصر آنها خواهیم پرداخت. آنچه درباره ساختار ظاهری کتاب مقدس اهمیت دارد، این است که بدانیم هر بخش از باب‌هایی تشکیل شده که به ترتیب شماره‌گذاری شده‌اند؛ به عنوان نمونه سفر پیدایش ۵۰ باب، سفر خروج ۴۰ باب و سفر لاویان ۲۷ باب دارد و این شکل حتی در نامه‌های رسولان نیز دیده می‌شود. علاوه بر این هر باب نیز به نوبه خود به بخش‌های کوچک‌تری تقسیم شده است که در کلام اهل کتاب از آن تعبیر به آیه می‌شود. به نظر می‌رسد این بخش‌بندی‌ها، در گذر زمان و به منظور سهولت خوانش و پژوهش کتاب مقدس انجام پذیرفته است.^۱ براساس این باب‌ها و شماره‌ها، هر جا به بخشی از کتاب مقدس اشاره می‌شود به منظور نشان دادن جای آن مطلب در کتاب مقدس معمولاً دو شماره ارائه می‌شود، که از سمت راست اولین شماره نشان‌دهنده باب و دومین شماره نشانگر آیه یا آیات مورد نظر است. این دو شماره معمولاً با نشانه نگارشی دو نقطه از هم متمایز می‌شوند و اگر تنها یک شماره یا بیش از یک شماره بدون نشان دو نقطه ارائه شود، به این معناست که مطلب مورد نظر در تمامی یک یا چند باب آمده است.

در نسخه‌های قدیمی باب‌ها تنها با شماره از هم متمایز می‌شوند، اما در ویرایش‌های جدیدتر بسته به مطالبی که هر باب بیان می‌کند با عناوینی نام‌گذاری شده است و حتی گاه به بخش‌های مختلف یک باب عناوینی داده شده است. علاوه بر این رسم‌الخط کتاب مقدس که قدری خواندن را دشوار می‌کرد؛ مثلاً همه جا «گ» به جای «ک» آمده بود، به رسم‌الخط معیار تغییر یافته است و علائم نگارشی زیادی از قبیل نقطه، ویرگول و علامت نقل قول، به متن افزوده شده که خواندن آن را جهت‌دار

۱. فرای در این باره می‌گوید: شیوه‌ای که مطابق آن هر جمله‌ای را جداگانه شماره‌گذاری می‌کنند، حجیت باستانی ندارد ولی برای ارجاع ضروری است. این شیوه، کار واعظان را که در جستجوی متون اند ساده می‌کند و خواندن کتاب مقدس را برای عامه مردم آسان می‌کند (فرای، ۱۳۷۹: ۲۴۹).

می‌کند. غیر از این، فضاهای سپیدی در نسخه قدیمی گاه بین آیه‌ها فاصله ایجاد کرده، به گونه‌ای نقش بند را ایفا می‌کرد، اما در ویرایش جدید بندهای زیادی در سراسر متن ایجاد شده است. تطبیق فاصله‌های نسخه قدیمی و بندهای این ویرایش، نشان می‌دهد که بندها بیشتر از فاصله‌های سپید متن قدیمی است اما تقریباً در مقابل هر فاصله در نسخه قدیمی، یک بند در ویرایش جدید وجود دارد.

۱-۱-۱. عهد عتیق

یهودیان کتاب مقدس خود را که موسوم به عهد عتیق است، به سه بخش تقسیم کرده‌اند:

تورات: کلمه تورات از واژه دو حرفی سامی آر (Or)، گرفته شده که در عبری به معنای آتش است و در عربی «آر» به معنای برافروختن آتش است. این کلمه عبری از آن جهت که قوانین و شرایع الهی چراغ راه انسان هستند، به معنای «شریعت» نیز به کار رفته است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۰: ۲/۲۷). پژوهش‌گران کتاب مقدس بر آنند که اسفار خمسة تورات حاصل تدوین و آمیزش چهار منبع اساسی است: الوهیمی، یهوه‌ای، کاهنی و تشیه‌ای.^۱ بنابراین محققان کتاب مقدس گونه‌ای نقد سنتی بنیان نهاده‌اند که

۱. الف. منبع الوهیمی: در این منبع نام خدا «الوهیم» و کوه خدا حوریب است، به همین دلیل با علامت اختصاری «E» برگرفته از واژه «Elohist» معرفی می‌شود. در این منبع برداشت‌هایی که از مفهوم الوهیم ارائه می‌شود، اغلب مجرد و انتزاعی است. الوهیم کلمه‌ای عبری است که در سریانی الیم (Elim) و در بابلی (El) و در نبطی (Elo) و در عربی اسلام الله گفته می‌شود (لوفمارک، ۱۳۸۴: ۵۰). دانشمندان بر این باورند که نسخه الوهیمی در شمال (سامره)، شکل گرفته است و مکان‌های شمالی مانند بیت‌ایل و فنوئیل و شخص یوسف و قبایل او توجه بیشتری شده است (دورانت، ۱۳۷۰: ۱۳۸۲-۱۳۸۳ و آشتیانی، ۱۳۶۸: الف ۳۵). ب. منبع یهوه‌ای: که با علامت اختصاری «Y» برگرفته از واژه «Yahwist» معرفی می‌شود. در این منبع نام خدا، یهوه و کوه خدا سیناست. گفته شده، تلفظ اصلی و ابتدایی این واژه احتمالاً «یاهاو» بوده است و تلفظ «یهوه» ظاهراً تلفظ بعدی و ساختگی کلمه است که به معنای ابدیت و سرمدیت است. بابلی‌های قدیم برای بیان ابدیت خدا یا خدایان خود از این واژه استفاده می‌کردند (کلباسی، ۱۳۸۴: ۲۳۳). دانشمندان معتقدند که نسخه یهوه‌ای در جنوب (اورشلیم) شکل گرفته و در آن مکان‌های مقدس این ناحیه چون حبرون اهمیت دارد و به ویژه به شخص یهودا توجه زیادی شده است (دورانت، همان و آشتیانی، همان). در این نسخه مطالب به گونه‌ای ابتدایی‌تر ولی با خلوص بیشتری تشریح می‌شود و جنبه‌های انسان-خدایی در آن بیشتر است؛ یهوه مانند انسان عمل می‌کند؛ چون اربابی در بهشت گردش کرده، املاک خود را بررسی می‌کند، چون انسانی از کار خود پشیمان می‌شود و دعوت ابراهیم را پذیرفته با او غذا می‌خورد (آشتیانی، همان). ج. منبع کاهنی: این منبع را با علامت اختصاری «P» برگرفته از واژه «Pristily» نشان می‌دهند. این منبع در واقع مبنای عبادات و شریعی است که پس از خرابی معبد اورشلیم در سال ۵۸۶ ق.م توسط عزرائیل کاهن برای یهودیان وضع شد (کلباسی، ۱۳۸۴: ۱۸۴). ←